

آری، پشتیبانی می کنیم...

■ حزب توده ایران به پیروی از مشی اصولی و بی گبر خود، از موضع گیری قاطع ضد امپریالیستی امام خمینی پشتیبانی میکند
در صفحه ۲

اطلاعیه

دبیر خانه کمیته مرکزی
حزب توده ایران
درباره تظاهرات سه شنبه

در صفحه ۷

طب ملی

طب ملی چیست؟
برای اجرای آن چه راهی باید پیمود؟

قبل از هر چیز باید مفهوم «طب ملی» را بدستی تعریف کرد. رژیم مغفوری بهلوی در این زمینه هم نابسامانی و هرج و مرج و اغتشاش فکری ایجاد کرده بود و در نتیجه شومی را از خود بقیه در صفحه ۵

روزی که اتحاد نیروهای خلق توطئه ننگین امپریالیسم و دربار را خورد کرد

اعلامیه کمیته مرکزی
حزب توده ایران
بمناسبت سالگرد
سی ام تیرماه ۱۳۳۱

در صفحه ۲

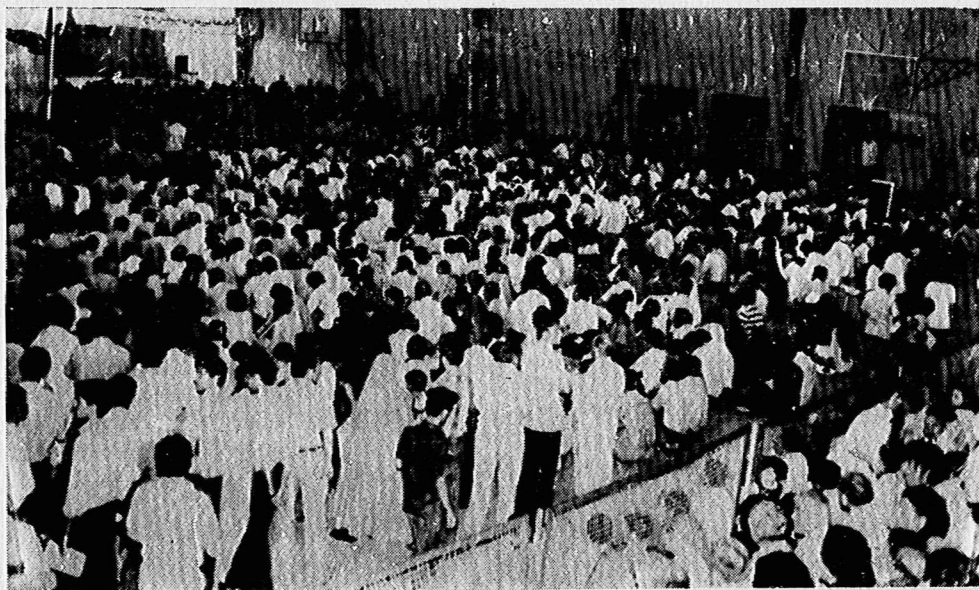
مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۴۰
دوشنبه ۲۵ تیرماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

مراسم بزرگداشت رفیق فقید محمدرضا قده در دانشگاه صنعتی برگزار شد

رزمنده، نمی میرد



در صفحه ۷

کوشای از مراسم بزرگداشت رفیق فقید محمدرضا قده

لایحه جدید مطبوعات گامی است بجای ولی هنوز بازتاب کامل روح انقلاب نیست

که باشند انقلاب بزرگ ایران ناسازگار بوده، حذف یا اصلاح شده و این خود گامی است بجلو، اما هنوز در این لایحه موادی هست که نمی تواند مورد ابراز قرار بگیرد. ماکه به روش وزارت ارشاد ملی در مورد چگونگی تدوین لایحه مطبوعات معترضیم، بر حسب وظیفه ملی خود، مواد قابل ابراز «لایحه اصلاح شده» را در زیر توضیح میدهیم.

■ ماده ۲۵۵، بند ۳ - در این بند همان ایهام پیشین در مورد کسانی که بابت داشتن محکومیت کفری از انتشار روزنامه و مجله ممنوع هستند، بجای خود باقی است. این محکومیت کفری به حکم و به موجب کدام قانون تعیین شده؛ یکی دوتائست تعداد کسانی که قوانین رژیم بهلوی آنها را بابت معتقدات و افکار سیاسی ضد رژیم ضد دستگاه سلطنتی از حقوق اجتماعی محروم کرده، که باواگون شدن اساس سلطنت، تمام آثار مترتبه از قانون آن زمان در تمام مواردی که مربوط به افکار سیاسی و آزادپنساها نه است، بطور تیمی اعتبار خود را از دست داده اند. نمونه فورمول بندی این بند و مسکوت گذاردن مواد قانونی حاکم بر موضوع، اشکالی را که پیش از این نیز بدان اشاره شده، مرتفع نمیسازد. نظیر همین اشکال بقیه در صفحه ۶

متن «لایحه پیشنهادی قانون مطبوعات» در جلساتی که نمایندگان مطبوعات و اکثر احزاب و سازمانهای مترقی در آن شرکت نداشتند، مورد بررسی قرار گرفت و یکبار دیگر برای نظرخواهی منتشر شد.

حکامیکه لایحه مطبوعات از طرف وزارت ارشاد ملی انتشار یافت، روزنامه مردم نظر اصولی حزب توده ایران را در این زمینه منتشر ساخت و متذکر شد که این لایحه دارای نقائص جدی است و باشند انقلاب بزرگ ایران بطور بنیادی ناسازگار است. ما نمیدانیم مگر المل وزارت ارشاد ملی در برابر انتقادات روزنامه مردم، و بطور کلی انتقادات مجموعه مطبوعات چگونه بوده است؛ ولی تشکیل جلسه برای بررسی این لایحه، بدون دعوت نمایندگان مطبوعات، این توهم و تکراری را در ما و بطور کلی جامعه مطبوعات برانگیخت که امکان گرفتن یک تصمیم نادرست و زبان بخش برای بستن دست مطبوعات از طریق تصویب قانون ضد دموکراتیک منتفی نیست.

انتشار «مقن اصلاح شده» لایحه مطبوعات نشان داد که تکراری ما بیهوده نبوده است. هر چند در لایحه جدید، مواد متعددی

با توطئه ضد انقلاب در خوزستان باید با هشیاری و قاطعیت روبرو شویم

خبرهاییکه از خوزستان میرسد حاکی از وضع پهنج و خطرناکی است که نباید آنرا دست کم گرفت، زیرا مستقیماً عواقب آن دامنگیر انقلاب ما خواهد شد. انفجار مکرر رولوله های نفت به منظور قطع صدور آن و بویژه قطع تصفیه آن در پالایشگاه و ایجاد کمبود سوخت، ایجاد حریق با بادی که گاه بیش از شش ساعت برای اطفاء آنها وقت لازم بود، منبجر کردن پلها، برای قطع ارتباطات و ایجاد محیط ناامن و در عین حال، ادامه نبرد آزادی های شدید و درگیریها دائمی، که حکایت از یک وضع متشنج مزمن میکند، از کار انداختن

وضع بلوچستان مایه نگرانی است

در بلوچستان ایران شد انقلاب در کار تدارک است. فتوایها، خانها و رؤسای عشائر، عوامل سیا و ایتلی جنس سرویس و ساواک و موساد، عواملی از برخی کشورهای عربی در تلاش و تکاپو هستند تا برای شورش مسلحانه، زیر عنوان «بلوچستان آزاد»، زمینه سازی کنند. مسوولهای لیب، حامل اسلحه قاچاق، از عمان و بویژه از مسقط حرکت میکنند و بار خود را به قاچاقچیان شناخته ای نظیر عبدالرسول و علم مبارکی، در کرانه های ایران تحویل میدهند. کوشش میشود که این اسلحه و ساخت شوری، باشد، تا ضمناً با اصلاح و مدرکی، هم در دست توطئه گران

قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

چه کسانی خر منجا را آتش میزنند؟



رخه توقف می کند و یکی از سر نشینان اتومبیل فریاد می زند: «دهقان چه می کنی؟ دهقان جواب می دهد: «آبپاری می کنم، میکنم. اولین جنایت را اینجا و آنجا بنام «توده‌ها» انجام داده تا دهقانان را نسبت به حزب ما بی باور سازد. طبق یک خبر موثق، ساعت ۱۰ شب (۱۳۸۰/۴/۱۳)، اتومبیل پیکانی کنار مزرعه‌ای درده هفتوه را تشدید می کند، اما ضد انقلاب

شد انقلاب از هیچ دسیسه‌ای غافل نمانده است. درشمار اعمال تبهکارانه‌ای که در دوران اخیر بدان توسل جسته است، آتش زدن خر منجاست. بااین اقدام جنایت کارانه هم کشور را دچار قطعیت، هم دهقانان را ناراضی و هم نامنی را تشدید می کند، اما ضد انقلاب

نمونه‌ای از زندگی زنان دهقان

ده هزار رود یا طارم علیا ، در حدود ۱۵۰ - ۱۲۰ کیلومتری شمال زنگان قرار دارد. اهالی این ده نیمه ساکن هستند و تاستان را به علت گرمای شدید ده و برآی چرانیدن گلستانهای خود به کوهستانها می روند. برای تأمین زندگی خود، تمام افراد خانواده از کوچک و بزرگ باید کار کنند. محصول عمده کشاورزی آنها ، برنج و میوه (انار و زیتون) است .

در این ده ازحزام، حتی بصورت خزنیهای آن هم کشت مرغوب را طبق قوانین رژیم سابق تصاحب کرده بود و سراله، علی رغم به افلاسی کشیدن مردم جهت کثرت، سرمایه‌های گزین به جهت میزد ، اسمال نیز طبق روال قبلی ارباب و رعیتی، با ایادی خود به ده مسافرت می کند تا دوباره دهقانان را مسودر استعمار قرار دهد. ولی دهقانان، که بحق مسلم خود آشنا شده اند، زیر بار نمیروند.

ارباب سابق در مقابل صف متحد مردم دستبند به قرار میگیرد. فتوال اول خوشی برخورد نشان میدهد، سپس از مذهب سخن میگوید و در آخر از پاسبان کامیونی بیامان می آورد، که دهقانان حرفی آخشان را میزنند ، اما تصدیق گرفته ایم زمین خودمان را بخومنان بگریه و تا جان داریم از خواست دشمنان دفاع خواهیم کرد. و سلطان ای اثرس کی فرار شدن بدست دهقانان پایبند نمیگردد!

راه دهقانان همین است، اتحاد و مبارزه، دفاع از حق مسلم خویش بداشتن زمین.

کوشه‌ای از زندگی زحمتکشان سرستان

خانواده‌های تهیدست سرستانی اکثراً برای کمک به خرج خود یک دار قالی در خانه برپا میکنند . زنان ودختران خانواده و یا آشنایان و بستگان بر روی این قالیها کار میکنند. به تناسب افرادی که بر روی قالی کار میکنند، از یک هفته تا یکماه طول میکشد تا قالی تمام شود. برای بافندگاز، من قالی پس از وضع مختار، ۵۰۰ تا ۷۰۰ تومان، بدون احتساب مزد کارگر ، باقی ممانند.

قالبها را دلایا خریداری میکنند و پس از انتقال به شیخ نشین‌ها، در آنجا بفروش میرسانند.

پس از انقلاب، دلایا دیگر قالی نمیترند و میگویند مبادلات بین ایران و شیخ نشین‌ها قطع شده است. فروش قالی کمک مؤثری به هزینهٔ خانواده‌های روستایی سرستان و حومهٔ آن بود که اکنون مدتی است این منبع درآمد از بین رفته است. این جریان موجب ناراضی روستائیان شده و قالی‌ها روی دستشان مانده است. **فصل اولان سرستانی علاوه بر کزک گوسفند، از موادی برای تهیه کلاه نمندی استفاده میکنند، که ازخارج وارد میشود. بعد از انقلاب، از ورود این ماده ازرقیمت به ایران جلوگیری شده، کلاه نمندی بخاطر ارزانی این ماده وسهولت تبدیل آن به کلاه، مشتریان زیادی دارد.**

از آنجا که کشاورزی و کله‌داری به تهایی نمی تواند زندگی اکثریت آنها را تأمین کند، زنان به گلبافی نیز متفونند. کارگلبافی همیشه برعهده دختران جوان ودختر- بچهها است. یک گلباف در ۳ متر، باکار مداوم ازصبح تا شب تقریباً ۲۰ روز طول می کشد و سپس آنرا بقیمت ۲۰۰ تومان خلی گرانتر در شهر بفروش می رساند.

در یک خانواده این‌ده، برای تأمین زندگی خانواده، ۳ دختر جوان ازطلوع آفتاب تاغروب آفتاب گلبافی می‌فایند. یکی از آنها بکلی بیامنی خودرا از دست داده و دیگران نیز چشمشان برآبی کار زیاد ضعیف شده است.

در این ده درس خواندن برای دختران وزنان معنی ندارد. آشنایان میگویند، ما درس برای چه یاد بگیریم ، آیا ظرف شستن یاپوشن بدوشیدن بسواد احتیاج دارد! دختران را از دوسالگی تا ۶ سالگی حتما باید نامزد کنند، این آرزوسوده است و آنها باید بهدستلاق آشنائی ندارند و کسی که ازواج می کند، باید باهنگونه سختی بسازد.

حسن همجواری را تحکیم بخشیم

بطرف، مفسر مشهور روزنامه پرواد، مقاله‌ای نوشته که توسط خبرگزاری شوروی «نوستی» منتشر شده است. توجه خوانندگان هم‌رده را به نظر این مفسر پیرامون روابط ایران و شوروی جلب می‌کند.

«در اتحاد شوروی، مجاهدات رهبران ایران نوین و اقداماتی که در مورد رفع مشکلات داخلی، احای اقتصادیات ونوسازی نظام اداری کشور انجام میگیرد، با تفاهم و علاقه دنبال میشود. برآمد پیکور جدیدی اتحاد شوروی علیه دشالت محافل امپریالیستی در مورد داخلی ایران در دوران حوادث انقلابی، تا حد زیادی به عقب مانده نرفته‌های مداخله‌گرانه خارجی کمک کرد، نرفته‌هایی که چنانکه معلوم است، تنها روی کاغذ وجود نداشت.

پیروزی انقلاب ایران امکانات گسترده‌ی بیشتری برای توسعه روابط حسن همجواری بین دو کشور و تقویت همکاری متقابل ایجاد می‌کند. بین مادرتام زمینه‌ها فراهم نمود. رهبران ایران، از جمله آیت‌الله خمینی، بهوشای انقلاب، در انظارهای اخیر خود با این واقعبت مطلوب عطف توجه نمودند. از هر دو طرف تمایلاتی ابراز میشود و تبادل‌مصلی اتخاذ می‌گردد تا همکاری شوروی و ایران پررنگ‌تر گردد.

لکن چنین دور نمائی، چه درخود ایران و چه در خارج از آن، بساد طبع همه نیست. نورهائی هستند که بیشتر خواهان نفاق و بدگمانی بین ایران واتحاد شوروی هستند تا دوستی وهم‌آهنکی. منظور قبل از همهٔ عناصر طرفدار امپریالیست‌ها، هواداران شاه و مرتجعین هستند که انقلاب بمنافعشان ضرر به نیرومندی وارد ساخت. آنها نوظه می‌چینند و بین دسته ای مختلف جنبش انقلابی و گروه‌های جداگانه ملی واجتماعی جامعه ایران اسطبلک وتصادم برپا میکنند. این نورهوا بمیل نیستند که اقتصادیات ایران را به هرج و مرج بکشانند و وضع کشور را در صحنه بین‌المللی وخیم و بترنج سازند و میان ایران وهسایکنش تصادم ایجاد کنند.

آنها می‌خواهند در میان توده‌ها بدنگ و تزدید دراهمت حیات بخش تحولی که در ایران روی داده، پیشانند، تحولی که به نهای جان هزاردان وطن پرست تمام شده است. بخاطر این مقاصد، برای واقتارات زیادی بخش میشود، از جمله علیه اتحاد شوروی. هدف سیاست اتحاد شوروی در تمام مراحل، به پیروی از وسایای و ای. لنین، رهائی خلق‌ها ازقیدها سماروکلیه اشکال دیگر ستم وتمدی بوده و هست. مشکل بتوان نشیی مهم‌تر و سفی‌تر از این تلاش تصور نمود که این‌سیاست، باروش کشورهای امپریالیستی، که ده‌ها سال در ایران سیادت کردند و اثر آن را به پیمانا بردند و این کشور را پایبکاه نظامی خود مبدل کردند، در یک سطح قدری آرزو شود. باتمام این اوصاف، اینگونه تلاش‌ها وجود دارد، ولی همانند تمام تلاش‌های پیشین محکوم به شکست است. زیرس هر روز خود واقعبت و زندگی آنها را کتدب می‌کند. در اینجا فقط کسی میتواند فریب بترد که بخواهد خود را فریب دهد و یا اینکه برای افترتگری خود دست‌اویزی پیدا کند. بمید نیست که در میان شخصیت‌هایی که در انقلاب نقش مهم و مثبتی داشتند- انقلابی که شاه ودیگرسر سپردگان نیروهای بیگانه را بر مردم را در مقابل خود انحصار می‌باشند که اکنون می‌خواهند منطق پشرفت وتکامل را عوض کنند، از دوستان رو بر میگردانند و در میان دشمنان دیروزی طلب عنیایت و احسان مینمایند. ولی آنهائی که سرنوش و مقدرات ایران را حل میکنند، این قبیل اشخاص نیستند، بلکه آن دولتمردان تجر به دیده‌ای گسترده بین‌المللی با آنهاست.

امر تحکیم دوستی بین کشورها مستلزم مجاهدات دوجانبه و صادقانه درجهت حفظ محیط حسن نیت واحترام متقابل است. اتحاد شوروی بخصوص افسوسار چنین گسترشی در مناسبات خود با ایران است، زیرا این امر با منافع ملل دو کشور مطابقت دارد و به تحکیم صلح وامتن بین‌المللی کمک مینماید.

در مورد داخلی کشور برادران افغانستان باخات میکنند، محکوم مینمایم. ما خوشحالی خود را از انضمامی فرار دارد سات ۲۸ در خرداد ماصورب گرفته ، ابراز می‌داریم . تدوین این قرارداد که با کوشش و خردمندی سران دولت های شوروی و آمریکا جهان کرامت و دفاع از آن را کوشش ازین دست امکان پذیرفت ، امید صلح و زندگی را در دل می‌لوردها مردم جهان قوت بخشیده است . اگر در اولها در ایجاد چنین تفاهات و گسترش محیط تشبیه‌زدایی کشورهای دیگر نماند، و ملت‌های جهان کرامت و دفاع از آن را کوشش ازین دست در طلب مصرفی و وابسته ماندن با زان سایر اقلاها - هر کس بیشتر بولماید، بهتر معالجه میشود هر کس فقیر وی بول بود، مویاست - سعرد .

برای‌رهائی از وابسته و مصرفی بودن طب، باید درسیم طب ملی برای پیشگیری از بیماری‌ها و در مقابل دران آنها، اولویت زیاد قائل شد. چون درسیمت گذشته بسطعه بهداشت عمومی و پیشگیری از بیماریها توجه چندانی نشده و آنچه هم که انجام گرفته، بملت

طب ملی

بجای گذاشت. این رژیم ضد خلقی و وابسته بامپریالیسم، اولاً همه نیازهای درمانی و از جمله تربیت کارهای پزشکی و متخصصین را به کشورهای امپریالیستی واقعی اکثریت فریب به وابسته کرد و قالیان زیر فشار بر طمع‌هاق دکتر مردم را باید ببرد مسهرده موسسات و بنگاه‌های آموزشی طبی کشور را هم بطور عمده بدست بخش خصوصی سپرد و آنها را به موسسات تجارتي بر- درآمدی برای

«ملی» بآن‌هاست، موسسات و بنگاه‌های میگویند که در مالکیت اشخاص وافر اند، بلکه در مالکیت همه خلق باید دولت ملی - بنوان نماینده مردم - آنها را به نفع مالکین واقعی آنها، یعنی همه خلق اداره کند. پس طب ملی، یعنی لنو مالکیت خصوصی بر موسسات، بنگاه‌ها و وسائل معده بهداشتی، درمانی و داروئی و اجزای مالکیت همه خلقی بر این امور موسسات، جز رایگان بودن همه خدمات بهداشتی و درمانی واستفاده مجانی از همه امکانات و وسائل دواور، در ازای حق بیمه‌ای که به تناسب درآمد پرداخت میشود، نمیتواند باشد.

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگری ایران، طرفدار جدی اتخاذ و اجرای چنین سیاست بهداشتی و درمانی است. حزب توده ایران با تکیه به تجربیات کشورهای سوسیالیستی در زمینه بهداشت و طب ملی، میتواند کمک‌های مؤثر عملی و فکری، که با شرایط خاص ایران منطبق و به نفع همه مردم باشد، بنماید. بهین دلیل حزب توده ایران، بعنوان حزب بی‌کلی این هدف منافع و حقوق همه زحمتکشان ایران پیروان میکند، وظیفه خود میداند که به تجزیه و تحلیل علمی در مورد طب ملی بپردازد و راه اجرای آن را نشان دهد.

طب ملی امری نیست که بتوان آن را از امروز بردا و با دسرور اعلامه و یا تصویبنامه بر مرحله اجرا گذاشت. هرگونه نشانی بزرگی و عوامل فریبی و چپ روی بیجا، وضع درمان را دچار سکنه و جامعه ما را دچار اشکالات فراوان و انقلاب ملی و دمکراتیک ما را دچار مخاطره خواهد کرد.

ملی کردن، بانمعنی که در بالا از آن یاد شد، تنها در چارچوب یک اقتصاد ملی مستقل و فرهنگ ملی وغیر وابسته، برپایه‌ی ملی کردن عمده‌ترین وسائل و موسسات تولید وخدمات (صنایع کلیدی و مواد ، بانک‌ها ، بیمه‌ها ، بانک‌های کارهای لازم، طب دریائی کشور، وسائل و موسسات تولید نیرو، سدها، شبکه‌های تأمین آب و یاری، راه‌آهن و راه‌ها، هواپیمائی و کشتیرانی و وسائل ارتباطی، بنگاه‌های عمده حمل و نقل، موسسات پزشکی کشاورزی و دامپروزی، جنگل‌ها و مراکز عمومی، زمینهای بزرگ، که در مالکیت دهقانان نیست، آموزش و پرورش در همه سطوح) امکان پذیر است . برای ملی کردن طب هم میگویم. که در بالا ذکر شد، باید زیر بنای مادی و فنی آن را برپا کرد. این زیر بنای مادی و فنی طب ملی، فقط در بطن ومهاتنگ‌بازیر بنای اقتصاد ملی مستقل میتواند برپیزی و رشد یابد .

حالا که جامعه ما اولین قدمها را در راه ایجاد یک اقتصاد ملی مستقل، از طریق ملی کردن بانکها، بیمه‌ها، قسمتی از منجماد صنایع بزرگ وابسته بسرمایه‌های امپریالیستی ، برداشته است ، برپیزی سیستم طب ملی را میتوان و باید از هم اکنون شروع کرد. برنامعه طب ملی را باید در دومارحله، که باهم پیوند حیاتی دارند، طرح ریزی و پیاده کرد.

۱- مرحله پی‌ریزی زیر بنای مادی و فنی:

الف- اولویت دادن به بهداشت عمومی و طب پیشگیر در مقابل طب درمانی. طب زمان رژیم پهلوی، طب مصرفی بود، کاملاً وابسته بسیمت طبابت در کشورهای عمده امپریالیستی. طب مصرفی، از این نظر که سیاست بهداشتی پهلوی کشور چندان به نفع معالجه بیماریها استوار بود و به طب پیشگیر توجه چندانی ننشده، و طب وابسته، بدین جهت که در کشور ما، چه از نظر کارهای متخصص پزشکی و چه از نظر تأمین دارو و وسائل پزشکی، کاملاً بکشورهای امپریالیستی ودر رأس‌هم امکان پذیرفت ، امید صلح و زندگی را در دل می‌لوردها مردم جهان قوت بخشیده است . اگر در اولها در ایجاد چنین تفاهات و گسترش محیط تشبیه‌زدایی کشورهای دیگر نماند، و ملت‌های جهان کرامت و دفاع از آن را کوشش ازین دست در طلب مصرفی و وابسته ماندن با زان سایر اقلاها - هر کس بیشتر بولماید، بهتر معالجه میشود هر کس فقیر وی بول بود، مویاست - سعرد .

برای‌رهائی از وابسته و مصرفی بودن طب، باید درسیم طب ملی برای پیشگیری از بیماری‌ها و در مقابل دران آنها، اولویت زیاد قائل شد. چون درسیمت گذشته بسطعه بهداشت عمومی و پیشگیری از بیماریها توجه چندانی نشده و آنچه هم که انجام گرفته، بملت

ژرفای جنایات رژیم پهلوی باید افشاء شود

در شماره ۳۵ ، روزنامه مردم، شرح شکنجه مبارزی انکاسی یافت که در روز های تسلط رژیم اهر یعنی پهلوی بر جامعه ما، واقعه‌ای عادی بشمار میرفت. این شرح، که ما بدلیل رعایت موازین عفت عمومی، قسمتهائی از آنرا حذف کردیم، جزء ناچیزی است از یک جنایت عظیم که رژیم پهلوی پایه‌های حکومت خود را بر آن متکی ساخته بود . این واقعه و هزاران واقعهٔ مشابه، به مشخصهٔ یک دوران سیاه در تاریخ حیات مهن ما است. برای زدودن کامل آثار این دوران و برکتش ناپذیری ساختن آن، باید دروغ سرکوب و تصفیه قاطع عمل جنایتکار رژیم شاه مخلوع، عمق تیرکسی و پلیدی ساواک و دیگر دستگاه‌های اعمال فشار و پلویاد خفقان را برای تودهٔ مردم افشاء نمود و تصویری صحیح، زنده و گویا از اعمال این جلاوران و دیوخفقان در مقابل مردم قرار داد.

در این زمینه، پیشنهاد میکنیم که نمایشگاهای آموزه‌های از جنایات رژیم پهلوی برای عموم مردم تشکیل یابد. در این نمایشگاه باید دستگاه‌های «مردن» شکنجه‌های مبارزان را توسط آنها تکه و مقله می‌کردند، به آنها شوک وارد ساخته یا مسوزاندند و کباب می‌کردند، در معرض دید همگان گذارده شود. باید عنکبانی‌ها را که در کل شکنجه به ضحانت رسیدند (و تمامی اینها در میان اسناد ساواک موجود است) ، گز ارفشائی که سگهای درندهٔ ساواک در مورد شرح جنایات خود به روسای خویش داده بودند، فیلمائی را که در جانیان ساواک از جریان جنایات قتل مبارزان تهیه کرده‌اند (و که میان اسناد بجا ماندهٔ ساواک موجود است) و فیلم‌هایی که در جریان دادگاه‌های انقلاب از چگونگی شکنجه‌ها از زبان زندانیان شکنجه شده یا مادران مبارزان شهید شده، در معرض دید همگان گذارده شود . مقامات مسئول دولتی موظفند، با اتخاذ تدابیر درهای زندانها ، شکنجه‌گاهها و سیاهچالهای رژیم پهلوی را بر روی مردم بکشایند و ماهیت واقعی این رژیم را بشکلی ملموس در مقابل دیدگان مردم قرار دهند. باید مردم درک کنند که فرزندانشان آنها را در چه شرایطی و در مقابل به سلطهٔ چه دژ خمیانی مبارزه می‌کرده‌اند. هر قدر این افشاگرها بیکورتر و کامل‌تر انجام گیرد، مبارزهٔ توده‌های مردم با بقایای رژیم پهلوی نیز آگاهانه‌تر و قاطع‌تر خواهد بود و امکان بازگشت چنان شرایطی نیز کمتر خواهد شد.

در بازدیدکنندگانهای مردم، در برخورد اول او شیص وغیره... که همان نکالهای تکیه فاشیستها اردو کسهای اسپران و کورده‌های آذمسوزی بها کرده بودند، ساهاست که نمایشگاهای آموزه‌های از جنایات آنان برپاست. کوهی از کشتنهای کودتاییکه آنها را تا بورد کردند، موی زنها تکیه آنها را زنده زنده سوزانند، فیلم‌هایی که فاشیستها اقدامائی از جنایات خویش تهیه کرده بودند، همه و همه در مقابل انظار همگان است تا مردم بدانند که فاشیسم چیست، تا همواره قلبشان مملو از آگاهی، نفرت وخشم نسبت با نوبان‌های پهلوی مردم ایران باشد و نهایت ایام تیره و تار سلط رژیم پهلوی را فراموش کنند، همانگونه که مردم جهان نیز اجازه ندادند و اجازه نمیدهند فاشیسم جهانی، که دنیا را یکم جنایات خویش کشاننده‌ها می‌لایند، بی‌امنی ایجاد نهاد ، به فراموشی سپرده شود. آزادی آهنگام خشنه ناپذیر واستوار میشود که عشق خفقان واستبداد از پها خرد. متأسفانه نه دولت موقت ومقامات مسئول تا کنون کوشش باین خواست ضرورت توجه کرده و در مورد افشاء جنایات رژیم گذشته قاطعیت و یکپورئی لازم از خود نشان نداده‌اند. بهین دلیل ما خود را موظف میدانیم مسراه بروی این امر تکیه کنیم ، زیرا تربیت تودهٔ مردم با روحیه ضد اختناق و ضد استبداد، بدون افشاء کامل جنایات رژیم فاشیستی پهلوی امکان نخواهد داشت.

غرضشرو و دواورهای که مشابه آنها در داخل کشور موجود است، باید بریزی صنایع تولید و وسائل پزشکی و بی‌نیاز کردن کشور از واردات و وسائل گران قیمت کشورهای امپریالیستی.

۲- مرحله ملی اعلام کردن طب:

پس از مرحله اول و پس از آماده شدن زیر بنای مادی و فنی، باید طب ملی اعلام کرد. باین معنی که همهٔ مؤسسات، بنگاه‌ها و وسائل وخدمات بهداشتی، طب پیشگیر و درمان باید بملکیت همه خلقی درآید. بدون شک این برنامه بدون همکاری درشته‌های مختلف علم وصنعت و آن‌موسسات و ادارات دولتی که فا قلبشان بنسوی پامبور بهداشت عمومی و پیشگیری از بیماریها بر خورد میکند و بخصوص بدون جلب همکاری پزشکان زحمتکش ممکن نیست.

برای جلب این همکاری با تصمیم‌اندکان توده زحمتکش پزشکان را بطور فعال در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیریها شرکت داد . وجود یک سازمان صنفی و همگانی پزشکان میتواند باین همکاری کمک‌های ارزنده‌ای بکند. از هم اکنون باید بنادر برپایهٔ همکاری صادقانه و دوستانه مقامات دولتی با کارهای پزشکی و بخصوص اکثریت فریب زدهٔ پزشکان، که جزء فشرهای زحمتکش جامعه‌اند، گذاشت. رژیم فاشد پهلوی به پیروی از سیاست اختلاف بین‌انداز حکومت کن، رابطهٔ بین پزشکان و بیماران را مسود کرد و به خواست ایجاد بنگاه‌های صنوعی وغیر واقعی و بجان‌هم‌انداختن گروه‌های مختلف زحمتکش، عمر رژیم پهلوی، خود را طولانی کرد. ما معتقدیم که اکثریت پزشکان و سایر کارهای پزشکی جزء زحمتکش ترین فشر‌های جامعه‌اند. هیچگونه تشنهٔ نادان مادی اصولی بین آنها و اقشار و طبقات زحمتکش جامعه موجود نیست و بهین دلیل جلب همکاری آنها بسر ای ساختن سیستم طب ملی هم مفید وهم‌کاملاً ضروری است.

ما پیشگویی می‌کنیم که در این زمینه، توضیحات بیشتری بدهیم، پیشنهادهایی که در این نوشته آمده است، توضیحات بیشتری بدهیم،

هر که تاریخ را تحریف کند سر انجام رسوا میشود

«مردم» در شماره پیش خود، بیاد بیست و سوم تیر ۱۳۲۵، که طی آن ۳۷ کارگر رزمه نقت شهید و ۱۷۰ نفر مجروح شدند، مقاله‌ای داشت و این رویداد را دارای جای ویژه‌ای در تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی مهن ما دانست و دقیقاً آنرا نشانه‌ای از عزم راسخ طبقه کارگر تهران ایران برای نابود کردن امپریالیسم در مهن ما ارزیابی کرد.

برخی از چپ‌دورها و انقلابی‌نماها، که درین اواخر هر چه گستاختر وظیفه اصلی خود را حمله به حزب توده ایران و نقایق افکنی تشخیص داده‌اند و عملاً دشمن اصلی، یعنی امپریالیسم امریکا را از نظرها دور میکنند، از سالگرد این رویداد تاساریخی نیز برای اتهام‌زنی به حزب توده ایران سواستفاده کرده‌اند. آنها کوشیده‌اند از عدم اطلاع خوانندگان خود سواستفاده کنند و آنها بقبولاندند که گویا حزب توده ایران در آن زمان اعصاب شکنی کرده است.

«مردم» در شماره هفدهم (۳ خردادماه) در پاسخ بر سرشاهی دوستان در این زمینه، پاسخی را چاپ کرده بود که اینک مفید میبینیم، عین آنرا تقدیم چاپ کنیم.

فرزانه (امانی) - موسی دشتستانی - رسول دشتستانی - حسین فاضلی

بخاطر خواست‌های کللاً عادلانه و عادی اقتصادی خود که توسط شرکت نفت انگلیس با آن توجیه نمی‌شد، دست با اعصاب زدن، آن‌ها ۱۴ روز دست‌دراز کردند که با هیچ‌کس نمی‌دانستند آن‌ها خواستار تعیین مقررات کار و تأمین آب آشامیدنی بودند. برای حل موضوع و تأمین خواست‌های کارگران هیتی به آغاچاری رفت، که شورای متحده مرکزی نیز در آن نماینده داشت. اضافه کنیم که هنوز قانون کار، زیر فشار مبارزه طبقه کارگر، که در مکزیک و انگلیس قید نشده خوددواری معصده مرکزی اتحادیه‌ها جمع آمده بودند تصویب نشده بود. در این کمیسیون رفیق قدیم ما علی امید هم عضویت داشت. اعصاب کارگران و با فشاری نمایندگان آن‌ها موجب پیروزی اعصاب شد. حداقل دستمزد و اشل بالاتر تعیین شد. تطویل هفته‌گی روز جمعه با استفاده از حقوق برسدست شناسخته شد و خلاصه اعصاب بسا قبولاندن خواست‌های کارگران با موفقیت بپایان رسید.

اما شرکت نفت انگلیس، که در عمل به تهدیدات خود عمل نکرده و مفاد موافقت‌نامه را اجرا نکرد. جو سیاسی در منطقه خوزستان در آن زمان به نحوی بود که از تراجاع سخت‌تر حازم بود و انگلیس‌ها و عمال آن‌ها، با چنگ و دندان خاکمیت شیطان‌ی خود را حفظ می‌کردند. معیاب فاطمی، استاندار وقت، که دست نشاندۀ آن‌ها و دشمن کارگران و رنجبران بود، با کمک شیخ‌های مرتجع محلی و چاق‌قداران آن زمان، ملی اتحادیه ساختگی کارگری سرهم بندی کرد. آن‌ها با سواغ تحریک دست می‌زدند. شورای متحده مرکزی، که چند سالی بود در سراس ایران فعالیت گسترده و علنی داشت، مجبور بود در منطقه خوزستان غیر علنی فعالیت کند و تازه اولین اقدامش آن در روز اول ماه مه ۱۳۱۱ اردیبهشت (صورت گرفته بود. در چنین جوی و هنگامی که در تهران دیگر قانون کار تصویب نشده، ولی شرکت نفت همچنان از اجرای آن توافق‌نامه قلی سر باز میزد، اعصاب سراسر کارگران نقت ۲۳ تیرماه آغاز شد. اعصاب نه فقط مدیریت شرکت انگلیس، بلکه بناچار علیه تحریک شوخ دست‌نشانده و اتحادیه قلابی جریان یافت. در خوزستان حکومت نظامی اعلام شد. در نتیجه پرت‌اندازی ارتش شاه مخلوع عده‌ای کارگر کشته و زخمی شدند. مسئولان شورای متحده مرکزی را که مدافع راستین منافع زحمتکشان اعصابی بودند، دستگیر کردند. برای رسیدگی کمیسیونی از جانب دولت وقت به‌وجود آمد. شورای متحده مرکزی نیز نمایندگان خود و منجمله رفقا را درمشت وجودت را به‌خوزستان فرستاد. فعالیت‌های این هیئت، که از پشتیبانی کارگرگران و اعصاب قدرتمند نقت‌نگران برخوردار بود، موجب شد که علی‌رغم آن کشتار دستگیرها، بالاخره کمپانی انگلیسی نیز اجزای آن‌ها را در خوزستان تقبل کرد و تهدید نمود که، حقوق ایام اعصاب را بپردازد و کلیه دستگیر شدگان آزاد شوند. برای اعصاب تیر ۲۵، این نتیجه‌ها موفقیت تمام بود، اگر چه برخی از خواستها، نظیر برداشتن مصاح فاطمی از پست استانداری، بکری نشنست، چون در آن شرایط امکان نهد؛

در مورد تبصره ۳ ماده ۳ به‌شرح زیرین وارد است. تبصره ۳- تقویض حق استفاده از تصدیق‌نامه انتشار نشریه به احزاب و جمعیت‌های سیاسی، که تشکیل آنها مقایر با قوانین کشور نباشد، مانعی ندارد.

این ماده به‌حکمی کشتار است، منایر با کدام قوانین؟ قوانین رژیم سابق، که اعتبار خود را از دست داده‌اند؛ وقتی این‌مسأله اساسی در قانون مطبوعات تصریح نشده، آیا جایی برای این‌نگران باقی نیست که مقام تصمیم‌گیرنده آنرا بهمیل و دلخواه خود تفسیر کند و وجودت شمول آنرا تا بدر برگشتن احزاب و جمعیت‌های سیاسی که نظام سابقه شده آنها را «قیر قانونی» اعلام کرده است، بسط دهد؟

● **ماده ۴** - در این ماده، برخلاف لایحه قبلی، رسیدگی به درخواست صدور تصدیق‌نامه رسیدگی به‌صلاحیت مقاماتی به کمیسیونی سپرده شده است که در آن نمایندگان ناشران نویسندگان، یکی از مسئولان دیوانه‌نالی کشور، یکی از اساتید دانشگاه و یکی از وکلای و پدیدگی دادگستری شرکت دارند. باید گفت، اولاً جای نمایندگان مطبوعاتی خبرنگاران و نویسندگان مطبوعات و وکلان نویسندگان ایران در در این کمیسیون خالی است و بیجا است. حتی سروز کار دارند. بعضی‌ها کمیسیون اضافه‌شوند، ثانیاً، نظر ایسن کمیسیون **مشوری** اعلام شده در نهایت، این وزیر ارشاد ملی است که تصمیم می‌گیرد و باین ترتیب، مطابق سیاست دولت‌ها، همواره به آسانی می‌شود از دادن تصدیق‌نامه یا تجدید آن خودداری کرد. به‌نظر ما بهترین شکل ایستندگی به‌کلیدونفتی از نمایندگان و وزارت ارشاد ملی با حق رای در این کمیسیون شرکت کنند و رای کمیسیون رای نهالی و قابل اجرا باشد.

● **ماده ۵** - در این ماده و تبصره آن خواسته شده که مدیر مسئول و سردبیر جراید به وزارت ارشاد ملی معرفی شوند. علاوه بر اینکه این معرفی، نوعی اعمال قدرت دولت از طریق وزارت ارشاد ملی در برابر مسئولان مطبوعات هموار میکند، برای مدیرمسئول و سردبیر

امانت در برابر حزب تا آخرین لحظه زندگی

رفیق احمد مقدم محلی، آموزگار مدارس سومه سرا، بعد از کودتای ۲۸ مرداد مبتلا به سل گردید و بملت قدان دوا و درمان باقی بدهود حیات‌گفت. وی ۱۴۵ ریا به حزب بدهکار بود و وصیت کرد که این مبلغ به حزب پرداخت گردد، اینک رفقای او، بوصیت رفیق فقید عمل کرده‌اند. یادش گرامی باد.

شرط صلاحیت علمی و حرفه‌ای هم در نظر گرفته شده است. هر چند تاوند این‌صلاحیت در خدمت اختیارات کمیسیون ماده ۴ همین‌لایحه است، شرط صلاحیت علمی و حرفه‌ای، کشتار قابل تفسیر است و حتی برای کمیسیون ایجاد مشکل میکند.

● **ماده ۸** - این ماده نیز مبهم و ناروشن است. هر نوع تغییر و تبدیل در تصدیق‌نامه‌ی نشریه و همچنین انتقال آن موکول به موافقت وزارت ارشاد ملی با رعایت مقررات این قانون است. معلوم نیست که آیا این تغییر و تبدیل ناظر به حکم مندرج در ماده ۱۲ است که مقرر می‌دارد: «در هر شماره باید... روش نشریه (دینی، علمی، سیاسی، اقتصادی، ادبی و هنری) در مصنفین مومن و محل ثابت اعلام شود»؛

● **ماده ۱۲** - جای حرف بسیار برجسی می‌کند. ملاک داوری درباره مندرجات هر نشریه محتوی نوشته‌های آن است. قید اینکه روش نشریه بسایه روشن گردد، در بطن خود اعمال یک نوع ماسوزی را در بر دارد، که نمی‌تواند مورد موافقت هیچ صاحب‌نشریه‌ای قرار گیرد. نکته دیگر اینکه، اگر فرساروشن یک نشریه دینی، سیاسی، ادبی و یا اقتصادی نبود، مثلاً این نشریه حق اظهار نظر در مطالبی که همجوار آن محسوب میشود، ندارد؛ مثلاً یک روزنامه سیاسی نمی‌تواند در مسائل اقتصادی، که پایه سیاست است به بحث بپردازد و باز کردن چنین بحثی باید با موافقت وزارت ارشاد ملی باشد؛

● **ماده ۸** - بسایه مورد بررسی قرار گیرد، انتقال تصدیق‌نامه است از طرف صاحب آن به شخصی ثالث. به موجب این‌قسمت از ماده من‌بور، معلوم میشود که انتقال تصدیق‌نامه به دیگری بدآسانی خود بلامانع است. در این صورت موکول کردن این انتقال به تصویب وزارت ارشاد ملی، جای اعمال نفوذ، بسا اگر مقام تصمیم‌گیرنده اهل‌غرض و مرض باشد، اعمال غرض باقی‌میکنداروس نوشت امردا بدنت مقامی قرار می‌دهد که میتواند در هر حالت حق‌گفادر و منف و غیرش نباشد.

● **ماده ۳** - تبصره ۳ ماده ۱۰ وارد میشود. طبق این ماده، انتقال و حق انتشار یک نشریه، پس از فوت صاحب‌نشریه، موکول به موافقت وزارت ارشاد ملی شده، که در اینجا نیز زمینه اعمال نفوذ اعمال غرض به‌حکمی باقی‌می‌ماند. ممکن است گفته شود که موکول ساختن چنین انتقالی به موافقت وزارت ارشاد ملی، بسرای جلوه‌گیری از اقتادن تصدیق‌نامه بدست افراد فاقد صلاحیت است. ولی ایسن امر نمی‌تواند حق‌مطلق وراثت یک‌موقوفای صاحب تصدیق‌نامه را از اراد سلب‌کنند. اگر کسی فاقد صلاحیت باشد، در آن صورت جلوه‌گیری از استفاده از چنین تصدیق‌نامه‌ای توسط یک فرد فاقد صلاحیت با خود وزارت ارشاد ملی است.

● **ماده ۱۷** - در این ماده کسانی که با جعل اخبار، یا نقل اخبار مجعول مرتکب، تحریر و تشویق مرتجع مردم به خرابکاری و آتش‌سوزی و قتل و قمارت و سرقت، یا تحریس و تشویق مرتجع افسران و افراد ارتش به ناقرمانی از فرامین عمومی ارتش شوند، مجازات زندان در نظر گرفته شده‌است. این منطقی است که برای تشویق کنندگان مردم به اعمال بالا، از طریق مطبوعات، باید مجازات در نظر گرفته شود. اما مریوط کردن آن به جعل اخبار یا نقل اخبار مجعول، قابل تفسیر است. مجزات تعیین ایسن منسلاک تشخیص خبر درست از جعلی تعیین شود، چون تمییک ایسن منسلاک آسان نیست و بسا فاهه در شرایط گوناگون متغیر است. باید این ماده تصحیح شود.

● **مواد ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲** - در این مواد نوشتن اخبار و مقالات «مومن به‌حکم دین مبین اسلام» یا «مؤمن و افترا آمیز» به شائز اسلامی، رهبران انقلاب، مراجع مسلم تقلید، رئیس جمهور و نخست‌وزیر و **توهین** به هیئت وزیران یا نمایندگان مجلسی و یا هیئت‌دادرسان- جرم شناخته شده است.

● در تبصره ماده ۲۳ هم که درباره توهین به هیئت‌وزیران، نمایندگان مجلس و هیئت‌دادرسان است، و چنین آمده، «اجرای این ماده مانع از نوشتن و انتشار انتقادات و ایراز نظرات آزادمانف نخواهد بود»

● چون این تبصره در ماده ۱۹ نیامده، اولاً این معنا به ذهن متبادر میشود که این تصدیق‌نامه در دست وزیر است و نیست. ثانیاً در تمام موارد یادشده، «توهین» «موهن» و «افراء قابل تنسب است و آسانی میوان هر انتقادی را توهمین و افترا تلقی کرد و نویسنده آنرا به‌زندان انداخت. بنابراین، علاوه در ماده ۲۳، مسئولان نمایندگان مجلسی و یا هیئت‌دادرسان، در یک مورد ایستندگی و موافق افراد عادی قرار می‌گیرند که در ماده ۲۱ حقوق آنها در برابر مطبوعات تعیین شده است. این‌چه امتیازی است که بسا این مقامات داده میشود که متوانند دستاویزی برای اعمال فشار علیه مطبوعات قرار گیرد؟

● با توضیح مواد معایر باروح انقلاب ایران در متن اصلاح شده لایحه مطبوعات، ما بطوریکه پیش از آن نیز گفته‌ایم، قانون مطبوعات باید با اثبات روح انقلاب بسزرگ مدلی و سرفراکنی ما باشد.

هدف اصلی کنفرانس توکیو چیست؟

گردهمایی سران هفت دولت صنعتی غرب، روز جمعه ۲۹ ژوئن، با انتشار اعلامیه مشترکی که بقول روزنامه لوموند با «روش متعادل و آرزوهای مختلف، تنظیم شده بود، پایان یافت.

این کنفرانس در ۲۹ ژوئن، با انتشار اعلامیه مشترکی که بقول روزنامه لوموند با «روش متعادل و آرزوهای مختلف، تنظیم شده بود، پایان یافت. کنفرانس در ۲۹ ژوئن، با انتشار اعلامیه مشترکی که بقول روزنامه لوموند با «روش متعادل و آرزوهای مختلف، تنظیم شده بود، پایان یافت.

● **ماده ۱۲** - جای حرف بسیار برجسی می‌کند. ملاک داوری درباره مندرجات هر نشریه محتوی نوشته‌های آن است. قید اینکه روش نشریه بسایه روشن گردد، در بطن خود اعمال یک نوع ماسوزی را در بر دارد، که نمی‌تواند مورد موافقت هیچ صاحب‌نشریه‌ای قرار گیرد. نکته دیگر اینکه، اگر فرساروشن یک نشریه دینی، سیاسی، ادبی و یا اقتصادی نبود، مثلاً این نشریه حق اظهار نظر در مطالبی که همجوار آن محسوب میشود، ندارد؛ مثلاً یک روزنامه سیاسی نمی‌تواند در مسائل اقتصادی، که پایه سیاست است به بحث بپردازد و باز کردن چنین بحثی باید با موافقت وزارت ارشاد ملی باشد؛

● **ماده ۸** - بسایه مورد بررسی قرار گیرد، انتقال تصدیق‌نامه است از طرف صاحب آن به شخصی ثالث. به موجب این‌قسمت از ماده من‌بور، معلوم میشود که انتقال تصدیق‌نامه به دیگری بدآسانی خود بلامانع است. در این صورت موکول کردن این انتقال به تصویب وزارت ارشاد ملی، جای اعمال نفوذ، بسا اگر مقام تصمیم‌گیرنده اهل‌غرض و مرض باشد، اعمال غرض باقی‌میکنداروس نوشت امردا بدنت مقامی قرار می‌دهد که میتواند در هر حالت حق‌گفادر و منف و غیرش نباشد.

● **ماده ۳** - تبصره ۳ ماده ۱۰ وارد میشود. طبق این ماده، انتقال و حق انتشار یک نشریه، پس از فوت صاحب‌نشریه، موکول به موافقت وزارت ارشاد ملی شده، که در اینجا نیز زمینه اعمال نفوذ اعمال غرض به‌حکمی باقی‌می‌ماند. ممکن است گفته شود که موکول ساختن چنین انتقالی به موافقت وزارت ارشاد ملی، بسرای جلوه‌گیری از اقتادن تصدیق‌نامه بدست افراد فاقد صلاحیت است. ولی ایسن امر نمی‌تواند حق‌مطلق وراثت یک‌موقوفای صاحب تصدیق‌نامه را از اراد سلب‌کنند. اگر کسی فاقد صلاحیت باشد، در آن صورت جلوه‌گیری از استفاده از چنین تصدیق‌نامه‌ای توسط یک فرد فاقد صلاحیت با خود وزارت ارشاد ملی است.

● **ماده ۱۷** - در این ماده کسانی که با جعل اخبار، یا نقل اخبار مجعول مرتکب، تحریر و تشویق مرتجع مردم به خرابکاری و آتش‌سوزی و قتل و قمارت و سرقت، یا تحریس و تشویق مرتجع افسران و افراد ارتش به ناقرمانی از فرامین عمومی ارتش شوند، مجازات زندان در نظر گرفته شده‌است. این منطقی است که برای تشویق کنندگان مردم به اعمال بالا، از طریق مطبوعات، باید مجازات در نظر گرفته شود. اما مریوط کردن آن به جعل اخبار یا نقل اخبار مجعول، قابل تفسیر است. مجزات تعیین ایسن منسلاک تشخیص خبر درست از جعلی تعیین شود، چون تمییک ایسن منسلاک آسان نیست و بسا فاهه در شرایط گوناگون متغیر است. باید این ماده تصحیح شود.

● **مواد ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲** - در این مواد نوشتن اخبار و مقالات «مومن به‌حکم دین مبین اسلام» یا «مؤمن و افترا آمیز» به شائز اسلامی، رهبران انقلاب، مراجع مسلم تقلید، رئیس جمهور و نخست‌وزیر و **توهین** به هیئت وزیران یا نمایندگان مجلسی و یا هیئت‌دادرسان- جرم شناخته شده است.

● در تبصره ماده ۲۳ هم که درباره توهین به هیئت‌وزیران، نمایندگان مجلس و هیئت‌دادرسان است، و چنین آمده، «اجرای این ماده مانع از نوشتن و انتشار انتقادات و ایراز نظرات آزادمانف نخواهد بود»

● چون این تبصره در ماده ۱۹ نیامده، اولاً این معنا به ذهن متبادر میشود که این تصدیق‌نامه در دست وزیر است و نیست. ثانیاً در تمام موارد یادشده، «توهین» «موهن» و «افراء قابل تنسب است و آسانی میوان هر انتقادی را توهمین و افترا تلقی کرد و نویسنده آنرا به‌زندان انداخت. بنابراین، علاوه در ماده ۲۳، مسئولان نمایندگان مجلسی و یا هیئت‌دادرسان، در یک مورد ایستندگی و موافق افراد عادی قرار می‌گیرند که در ماده ۲۱ حقوق آنها در برابر مطبوعات تعیین شده است. این‌چه امتیازی است که بسا این مقامات داده میشود که متوانند دستاویزی برای اعمال فشار علیه مطبوعات قرار گیرد؟

هدف اصلی کنفرانس توکیو چیست؟

اطلاعه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره تظاهرات و راه‌پیمایی سه شنبه حزب جمهوری اسلامی، از همه نیروهای اسلامی و ضد امپریالیستی دعوت کرده است که در روز سه‌شنبه ۲۶ تیر ماه ۱۳۵۸ در یک راه‌پیمایی برای ایراز وحدت نیروهای خلق در دفاع از انقلاب و رهبری انقلاب شرکت کنند. با کمال تأسف، حزب جمهوری اسلامی اعلام داشته است که نیروهای شرکت‌کننده در این راه‌پیمایی، هیچ‌گونه نشان و شماری که معرف احزاب، سازمانها و گروهها باشد، همراه نیاورند. درحالی‌که به‌نظر حزب توده ایران اتفاقاً برای بیان اتحادیه نیروهای راستین انقلابی و ضد امپریالیست، صحیح‌تر این بود که این نیروها در عین حفظ نشان و شماری خود، زیر یک شعار واحد، یعنی **دفاع از انقلاب و رهبری انقلاب در ایران** را به‌پیمایی شرکت میکنند.

● در حال حزب توده ایران به پیروی از منش اصولی و بی‌گشود، پاریدیک آزادی‌گوشی را برای مبارزه در راه اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک به منظور تأمین استقلال ملی، تأمین حقوق و آزادی‌های دموکراتیک، برای اسامیازی و نوسازی اقتصاد ملی و بهبود زندگی زحمتکشان اعلام میدارد.

● **دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران** ۱۳۵۸/۲/۲۴

● **بته ازمنه ۲** با توطئه ضد انقلاب در خوزستان ...

● **بته ازمنه ۲** با توطئه ضد انقلاب در خوزستان ...

● **بته ازمنه ۲** با توطئه ضد انقلاب در خوزستان ...

● **بته ازمنه ۲** با توطئه ضد انقلاب در خوزستان ...

● **بته ازمنه ۲** با توطئه ضد انقلاب در خوزستان ...

● **بته ازمنه ۲** با توطئه ضد انقلاب در خوزستان ...

بزرگداشت رفیق قدوه ...

اینک کنار تو هزاران قدوه جوان آنگاه و معتقد با شوری آتشین با عزم آهنین مبارزه را دنبال میکنند

مراسم بزرگداشت رفیق **محمدرضا قدوه**، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، پنجشنبه گذشته در دانشگاه صنعتی برگزار شد.

● در این مراسم، اعضاء، هواداران و دوستان حزب توده ایران و سایر عناصر ترقیخواه، با شرکت وسیع خود، قدان یکی از گرانقدرترین اعضای قدیمی حزب توده ایران را گرامی داشتند و در شمارهای پرشور خود، اعلام کردند که مبارزه این یسار وفادار و مبارز حزب ما را، در سنگر حزب توده ایران، ادامه خواهند داد. ساعت ۷ بعد از ظهر، با پیش‌سرود حزب توده ایران، مراسم آغاز شد. در جایگاه هیئت رئیسه، رفقا، منوچهر بهزادی، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی، رضا شلتوکی و اسماعیل ذوق‌فراغی اعضای هیئت سیاسی کمیته مرکزی و بهرام دانش، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، همسر و دختر رفیق **قدیم محمدرضا قدوه** در جایگاه‌های سیاه دیده می‌شدند. بعد از پایان سرود، رفیق دانش، از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران، سخن گفت. رفیق دانش پس از بیان خلاصه‌ای از زندگی و مبارزه رفیق **قدوه** گفت:

● **رفیق قدوه** این خوشبختی را یافت که از مهاجرت به ایران بازگردد، نخستین مرحله پیروزی انقلاب شکوهمند خلق قهرمان ما را، به چشم خود ببیند. و نیز ببیند که پیش، حزب توده ایران، همچون مرغ آتش از جهنم رژیم سفاک پهلوی گذشته و اینک پس، میکشاید دود راه پیشبرد انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی ایران، در راه انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی ایران، باز در صفوف مقدم جبهه مبارزه خلق قرار گرفته‌است.

● **توده‌های قهرمان، راهت ادامه دادر** - **درد در کمیته مرکزی حزب ما**

● **توده‌های قهرمان، راهت ادامه دادر** - **درد در کمیته مرکزی حزب ما**

● **توده‌های قهرمان، راهت ادامه دادر** - **درد در کمیته مرکزی حزب ما**

● **توده‌های قهرمان، راهت ادامه دادر** - **درد در کمیته مرکزی حزب ما**

● **توده‌های قهرمان، راهت ادامه دادر** - **درد در کمیته مرکزی حزب ما**

● **توده‌های قهرمان، راهت ادامه دادر** - **درد در کمیته مرکزی حزب ما**

نگاهی به نمایشگاه نقاشی فرح نوناش در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

همراه مردم از اوج اختناق تا انقلاب



«جمعه سیاه»

رکس، نیایش شبانه، عمران نمرده است، آغاز و ... نمایانگر مختصات پرش زمانی دوم است. یک نمونه از هر دوره را برمی گزینیم!

«کارسیاه»، نمونه ای از دوران اول، زندگی خاکستری رفشگرانی را مطرح میکند که در دل شب تیره، در سایه روشن چراغهای مهتابی، شهر را از زباله پاک میکنند و خود در بدترین شرایط بسر می برند. چهره های خاموش و سنگین رفشگران، که در حالت های ایستاده تصویر شده، چشمهای بی حرف و دوخته شده به سباهی رنگهای خاکستری-آبی-سبز، سیاه، با کمی سفید، از طرفی سنگینی شب از سویی بر تنگی زندگی آنان را القا میکند.

«جمعه سیاه»، از سری دوم، اوج حماسی یک بیان بلاستیک است، زن زمردی در پیش یک گریز، با تمامی خشم، کین، نفرت، ناباوری، آذراک و آزاده در برابر مصیبت بارترین حادثه زندگیشان قرار گرفته اند، کودک مصومشان با مشت های کوچکی که هنوز گلهای تازه ای را در خود محکم گرفته، شکار سفاسکی دُخمانی که با فرمان قتل عام مردم به «میدان شهدا» فرستاده شده بودند، شده است. دهان به فریاد خشم گشوده زن، این فاجعه را انکار میکند و چشمهای سرشار از نفرتش، در باوری دردناک، عمق آتشی دریافته است و با این حال هر دو مصمند، مصمم به ادامه راه برای تپیع انبوه مردمی که آماج توبحای پرچم آمریکابوش - سربازان گارد جاویدان قرار گرفته اند. زن جسد خونین کودک را با دستهای عاصی، به آسمان بلند کرده تا یک باردیگر سند جنایت پهلوی را به همه نشان دهد. این کنار سرباز قهرمانی، که از تیراندازی به مردم سرباز زده است، همچنان در خون خود غلت می زند. آن روز بسیاری شاهد بودند که با اولین «نه» سرباز، چگونه گلوله سرپرورشش را از هم شکافت و از مغزش گل خونین شکفت. آسمان آندوهبار، همای حس مردم، خشم خود را در آرزو خشی دیرپای گنجانده و هم الان است که خروش بی تابانه خود را آغاز کند و همصدای فریاد زن و هم آراده با تصمیم مردم، زمین و زمان بیدارگری را در هم بکوبد. این سری از آثار فرح نوناش به خاطر آهنگه پویا، ترکیبهای تازه ای از رنگ و به کارگیری درونمایه ای بکلی تمیین کننده در پرداختن احساس با نگرشی منطقی - که از نوازش کردن عاطفه بیننده بسیار فراتر میرود - کارهایی هستند، بکلی متفاوت، که این و آن ضعف و کسبی را سراسر تحت الشعاع قرار می دهد.

دوره از کارهای دور و نزدیک فرح نوناش در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به نمایش درآمده است. درنگاهی کلی به این نمایشگاه باید گفت، نه تنها دستمایه هر یک از سری کارهای نوناش آئینه تمام قد واقعات درگذردوران سیاه اختناق محمد رضا شاه است، بلکه شیوه پرداخت او نیز، در پیوندی تنگاتنگ با محتوای اثر، از چند و چون فضای حاکم خبر می دهد.

سری کارهای آغازی با خورشید بهترین گواه این ادعاست. درخت ها اما، با آب خوردن از زمین چشمه، بارمغفومی دیگر را بردوش دارند و اینکه در این سری کارها، نوناش با تکیه بر تئوری علمی تاکید می ورزد که برای دگرگون ساختن جامعه، شرایطی لازم است که بی وجود آنها هر تلاشی محکوم به شکست و هر کوششی عبث خواهد بود. پیشتانان فرم، با از خود گذشتگی خود، بی حمایت توده و بی جمع بودن شرایط، کاری از پیش نخواهند برد و در یک کلام، دگرگون ساختن جامعه کاری نیست که از دست من و توی تنها بر آید.

کارهای جدید نوناش را میتوان به دو دسته تقسیم کرد، سری کارهایی که با تجسم بخشیدن به این شالی کار و آن رفتگر به مطالعه انسان و رابطه اش با اجتماع می پردازد و دیگر آثاری که در دوران بهر رسیدن انقلاب شکوهمندان با دستمایه قرار دادن این و آن «حادثه تاریخی»، رد انقلاب را دنبال می کند.

شالی کاران، کارسیاه، چهره یک رفتگر از جمله آثار دسته اولند. کارهای گروه دوم که اشکل گوناگون مبارزه مردم علیه امپریالیسم و استبداد را بازتاب می کند، در دو بخش خلاصه میشود، هنگامی که شرایط انقلابی فراهم نبوده، این و آن مبارز و با آب خوردن از چشمه آید و لوزی های گوناگون، به مبارزه برخاستند و زمانی که موج اعتراض ناراضحی توده گیر شد، تمامی مردم را در بر گرفت، آنها را یک پارچه کرد و زلزله وار بیان «کاخ» را در هم ریخت.

اعتصاب کارسال ۴۵، تدریس انقلاب سفید، محکومیت ۱۰ ساله، برابری در اعدام، مأمورین پدرا بردند، تصویرگر شرایط پرش زمانی اول و شبهای شعر، اتحاد در گرسنگی، آزادی زندانیان سیاسی، جمعه سیاه، ۱۷ شهریور، آتش سینما

زنگار!

چشمان کشود باید و
شد بیدار،
دستان کشاد باید و
شد حاضر،
کاین خصم زخم خورده بسی وحشی ست
زنجیرها برتن او باید
کوبنده تر ز پیش فرود آورد
باید گمان نبرد که این خونخوار
بر یورش شبانه ندارد تصدا
با این خیال خام که او مرده ست.
یا از تلاش و توش و توان رفته ست.
زنگارا
ای رفیق شب بیدادا
در این سحر دوباره نباید
باز
ره بر فصول تیره دهشت دادا

م. شباهنگ
۱۰ تیرماه ۵۸

نامه تسلیم کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق به کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت درگذشت رفیق محمد رضا قدوه

رفقای عزیز!
با اندوه بسیار از خبر درگذشت رفیق محمد رضا قدوه، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، اطلاع یافتیم.
نام رفیق محمد رضا قدوه، بعنوان یک کمونیست قدیمی ایرانی و یک مبارز راه صلح برای کمونیستها و ترقیخواهان عراق آشناست. بویژه مبارزان راه صلح هرگز فعالیت های خستگی ناپذیری را برای پیروزی این امر مقدس فراموش نمی کنند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق از جانب همه کمونیستها و ترقیخواهان عراق خود را در این اندوه بزرگ با حزب توده ایران شریک میدانند و تردید ندارند که حزب برادر توده ایران با تشدید مبارزه خود در راه حفظ و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران، جای خالی رفیق ارجمند محمد رضا قدوه را پر خواهد کرد.

با درودهای برادرانه
کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق
۸ ژوئیه ۱۹۷۹

۳ هزار راننده تاکسی، هیئت مدیره شرکت تعاونی خود را انتخاب کردند

بیش از سه هزار راننده تاکسی عضو شرکت تعاونی تاکسی رانان، برای انتخاب هیئت مدیره تعاونی خود اجتماع کردند. این اجتماع روز جمعه ۲۲ تیر در سالن ۱۲ هزار نفری آزادی تشکیل شد.

در ابتدای جلسه، مشیری، مدیر عامل پیشین، گزارش فعالتهای هیئت مدیره را قرائت کرد و در پایان رانندگان آراء خود را به صندوقها ریختند. ۱۷ نفر برای عضویت در هیئت مدیره، هیات بازرسی و اعضای علی البدل از سوی انجمن اسلامی رانندگان و هیئت مؤسس شرکت تعاونی نامزد شده بودند.

گروهی از شرکت کنندگان در اجتماع رانندگان تاکسی، خواستار عضویت «آخوندی»، نماینده امام، که در هیات مدیره قبلی شرکت تعاونی تاکسیرانی عضویت داشته بودند، آنها را در گفتگویی به خبرنگار «مردم» گفتند که میخواهند آخوندی، مدیر عامل اسبق، که توسط امام منصوب شده بود، از جانب هیئت مدیره جدید، در پست قبلی خود ابقا شود. آنها معتقد بودند که آخوندی در مدت مدیریتش خدمات ارزنده ای به آنان کرده است، از جمله به آنان وام داده تا قرضهای خود را بپردازند و در عرض آنها این وام را در اقساط چند ماهه به صندوق تعاونی بازگردانند، با ممنوع - الفروش کردن تاکسیهای نوبتد یکسال، دست بنگاهها را کوتاه کرده ۳۶۰ میلیون تومان سرمایه تعاونی را در اختیار گرفته و اقداماتی در زمینه ساختن مسکن برای رانندگان انجام داده و غیره. گروهی از رانندگان هم با انتخاب مجدد آخوندی مخالفت میکردند و معتقد بودند که او عضو شرکت تعاونی تاکسیرانی نیست.

در این جلسه، گروهی از رانندگان بدون دادن رأی جلسه را ترک کردند. شمارش آراء، عصر جمعه آغاز شد و در نتیجه، احدی، غلامی، حکیمی، جمالی و تهرانی به عضویت هیات مدیره، همدست پور، رها دست و روحیمان به عضویت هیات بازرسی انتخاب شدند. منادی و ظفری هم به عنوان اعضای علی البدل انتخاب شدند.

هجوم مجدد عناصر مشکوک به دفتر حزب در رشت

ساعت ۵ صبح ۲۳ تیر ماه بازهم عده ای از عناصر مشکوک به دفتر حزب در رشت حمله کردند و شیشه های عبادت را شکستند و فرار کردند. روز قبل نیز هنگامی که آقای به آذین، دبیر کل اتحاد دمکراتیک مردم ایران قصد سخنرانی در دانشگاه گیلان را داشت عده ای از عناصر مشکوک به سالن سخنرانی هجوم بردند، شیشه ها را شکستند و پوسر ها، روزنامه ها و کتابها را پاره کردند و بدین ترتیب مانع انجام سخنرانی شدند.

ماضن اعتراض شدید به این اعمال ضد دمکراتیک، مصرانه خواستار شناسایی، تعقیب و مجازات عاملان این اقدامات ضد دمکراتیک هستیم.

تصحیح يك اشتباه

بدرخواست دوستان، قبلا سرون حزب توده ایران را چاپ کردیم. متأسفانه اشتباهی در سطر بیست سروروی داده است. بجای «صاحب خاک پاک مهن»، باید خوانده شود «صاحب اسلی خاک مهن».

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران قبلا هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود. نشانی، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن، ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

به بازماندگان
مقتولین حادثه
خونین گرمسار
صمیمانه تسلیت
میگوئیم
در حادثه مرگبار قطار تهران - مشهد، که روز پنجشنبه بین ایستگاه های کویر و ابژور روی داد - و علت آن هنوز دقیقاً روشن نیست - تعداد زیادی کشته و زخمی شده اند. ما به بازماندگان مقتولین صمیمانه تسلیت میگوئیم.